

کتابخانه
مجلس شورای
اسلامی

۱۹

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتاب
مؤلف
مترجم
شماره قفسه ۱۶۱۱

جمهوری اسلامی ایران
شماره ثبت کتاب ۲۰۷۵۷۶

[illegible][illegible][illegible]

برق خاکیه و پاره بری پا داشت تا در گوشت برآید قاتلهم الله الله و لولکم و حضرت عباس
و سوره که خدا بماند که در کعبه بی ایستادن با یاد اوردن شنبه و پنجشنبه را و اوردن پنج
کار خوب خصوصا شنبه را و در حدیث معتبره وارد شده است که اگر کسی شنبه را در روز شنبه ابره
حق را از آن بجای نهد بر یکدیگر از این دو سخن مسخره است امام ضحی عوارض میفرماید و آن گفته
و هر چه از بسا در آن نبی سراسر که در روز شنبه را می گویند بصورت رسول الله و از آنجا
ناقص گرفته اند و این حدیث را در حدیث معتبره است و این را که شنبه را بخواند که برین حدیث
در میان جماعت دعوا و انقاس مستحقر است و حدیث وارد شده است در این حدیث را که
مرد میگوید که در حدیث معتبره وارد شده است که هر که در شنبه و در حدیث معتبره وارد شده است که
در آن روز شنبه را بخواند یا در روز شنبه را بخواند که در حدیث معتبره است که در روز شنبه را بخواند
صحت است و عمل در حدیث معتبره است که در روز شنبه را بخواند و در حدیث معتبره است که در روز شنبه را بخواند
که در حدیث معتبره است که در روز شنبه را بخواند و در حدیث معتبره است که در روز شنبه را بخواند
در حدیث معتبره است که در روز شنبه را بخواند و در حدیث معتبره است که در روز شنبه را بخواند
مستحق است که از آنجا که حدیث معتبره است که در روز شنبه را بخواند و در حدیث معتبره است که در روز شنبه را بخواند
است و در حدیث معتبره است که در روز شنبه را بخواند و در حدیث معتبره است که در روز شنبه را بخواند
در حدیث معتبره است که در روز شنبه را بخواند و در حدیث معتبره است که در روز شنبه را بخواند
بالله میفرماید که حدیث معتبره است که در روز شنبه را بخواند و در حدیث معتبره است که در روز شنبه را بخواند
که در حدیث معتبره است که در روز شنبه را بخواند و در حدیث معتبره است که در روز شنبه را بخواند
ناقص است و در حدیث معتبره است که در روز شنبه را بخواند و در حدیث معتبره است که در روز شنبه را بخواند
در حدیث معتبره است که در روز شنبه را بخواند و در حدیث معتبره است که در روز شنبه را بخواند
از برای نشان این مندرج باشد صاحب بنا داشت و حق گویند که چنان کند که صاحب

توماس

اگر و است بخیر که کعبه ایشان را در هر ضلعی است
برپا که منبر نبی که اول کلیسای است

24

چشمه اینها و اهل بیت شدند و در نزد ما برین عبد القهار ای برادر آمد
و حضرت سید الخیر و ما زیارت کرد و گوییم که از آن خاندان بود زیارت و در بیت سید
ایشان امامت خلافت این امت نهاد و اجناس رسید در سال سی و دوم حجی ما و در سلم
مرکز بر میخواست آن از برای ایشان خلافت گرفت و عبد الله که شجاع خلیفه شد و در بیت
ایشان ماند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و امام حسن و اوقات با ایشان در روز آخر ماه
هلال کوفه را گذرانید که در آخر این روز از بر شیرو سرد شد اقلی عام کرد و
برسید الله که چهار مرتبه بر او کلاه آید و بعد از آن دو روز با ایشان و اوقات حضرت امام حسن
علیه السلام و اوقات حضرت قائم بر سر رسید و در بیت ایشان حضرت رسالت صلوات
الله علیه و آله زیارت کرد و در سال سی و دوم حضرت و آن را چشمه بود و حضرت ابوالموئید
سید بن شهاب بر فراشت آن حضرت خواب حضرت رسالت صلوات الله علیه را تشریف برد و در آنج
ا که مشرکان بر او دعا کردند و حضرت سید رسول بر فراشت او در چهارم هر آن که در توبه
علیه السلام در روز دوازدهم آنجا و اهل بیت شدند و در روز بیستم ایشان یک است و در نام
حسن و حسین و اوقات حضرت و در سیم ایشان معقلی عرب خطاب علیه السلام را نوشت
این قول را خلفا و بگویند که از برای حضرت رسول صلی الله علیه و آله از برای که علمای سیر معقل
آن حضرت را در چهارم آنجا که در سیم شد و در روز بیستم در بیت حضرت سید رسالت
و این عبد بنز که سید علی است و اما این ادب و بیست و نه و بیست و نه و بیست و نه
علمای شیعه میگویند که آن روز در روز دوشنبه چهارم که حضرت علی و عیسی علیه السلام در بیت
و در روز بیست و نه حضرت سید علی علیه السلام که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در آن
وقت بیست و نه سال داشت و بیست و نه که حضرت امام و در چهارم امام فوت میزدند و از آن
و اوقات آن حضرت که بیست و نه سال داشت و بیست و نه و خلافت ائمه و اوقات آن حضرت

مجله

عليه

[illegible]

[illegible]

27

22

[illegible]

والله اعلم

[illegible]

٢٤٢

[illegible]

از کتب معتبره است و در بعضی نسخ

کتابخانه ملی افغانستان

[illegible][illegible]

اور آفرینش

[illegible]

[illegible][illegible][illegible][illegible]

[illegible][illegible][illegible]

[illegible][illegible][illegible][illegible]

[illegible][illegible][illegible][illegible]

گشت طاعتها را پس در آنوقت فرج مؤمنان برسد و مراد ما از روزگانه که گشت طاعتها را پس در آنوقت
سیدین بی سواد نذر از کینهها بیست فغان و عجزا بیاریت بی نجات دهد و در دو رایت سید و وارایت
که در روز فرج حضرت قائم ع و اولاد و ملکی خدا گشت که حق تعالی با عاقل این طایفه است
و در هر روز در این جهان که گشت که حق با عثمان و در سبزه اوست پس آنگاه که صاحبین بناسند و در آن
میر می طاعت فیه در سبزه بجای باشد صاحبی و دیگر که او شود و آنجا که صاحبین بجای باشد و احادیث
اهل بیت علیهم السلام شنیده باشد که ندیم و نذر از شیطان است و احادیث و کتب ائمه
و احادیث و شریعت این است بنام خدا و احادیث سید و وارایت است که آنوقت در روز غیبه سال
خرم ظاهر شود و پیش بر جبر و الا و انوار و اولاد این که این اوجیت گشت با حق تعالی که بصورت
مرضی شنیده نازل شود پس در این جهان که او در هر یک که آمد و این دیگر مرتبه است و در آن
نفع شایسته که هر خدای بشوند و نذر از شیطان و اولاد این که این اوجیت گشت با حق تعالی که بصورت
حق تعالی که در هر یک که آمد و این دیگر مرتبه است و در آن
بسیار شود و هر یک که شنیده باشد مرتبه و در آن است و در آن شنیده باشد و در آن شنیده باشد
آنوقت آنست که بصورت جهان ظاهر شود که هر یک که آمد و این دیگر مرتبه است و در آن
گذاشته باشد با هر یک که در این جهان ظاهر شود و در هر یک که آمد و این دیگر مرتبه است و در آن
و احادیث بسیار دارد شده است که حق تعالی پیش از فرج سیدین علیهم السلام است و در آن
بسیار و در فرج کردن سلفان و ظهور نذر از شیطان و در هر یک که آمد و این دیگر مرتبه است و در آن
گذاشته باشد با هر یک که در این جهان ظاهر شود و در هر یک که آمد و این دیگر مرتبه است و در آن

[illegible][illegible][illegible]

کے

کلمه حضرت انبیاء و صلوات بر او باد شده و نیز حضرت امیرالمؤمنین ص با پیرو بگویند که
راست گفتند و رسول را در آنچه شما دادعد ۱۰۰ سال پس حضرت امیر مقتدا و کس ایشان هرگاه کند
و بگوید بعد از منست که لشکر را ببرد و از یکصد پس لشکر بی بی که شترهای و رنگ بر منست که ببرد
خارج کند پس یکشم من بر جان و دارم که کشتن را تا آنکه میرد و من و حلیه و حلیه اهلان که کشتن خط
و بر بیرون و صفای من و بر شتر عرق کنم اسلام را و بجز گردانم این را زمین نرفته اند و در صفای
شدن و هر که صفای من و بر شتر و بدست که از دم و بر شتر و هر که از اسلام را بدست و شتر و شتر که خدا
خدا را بر شتر و هر که از اسلام را بدست که از دم و بر شتر و هر که از اسلام را بدست و شتر و شتر که خدا
و خدا را از و بر شتر و بدست که از دم و بر شتر و هر که از اسلام را بدست و شتر و شتر که خدا
و بدست که از دم و بر شتر و بدست که از دم و بر شتر و هر که از اسلام را بدست و شتر و شتر که خدا
از آسمان بر زمین فرستند تا آنکه هر دو صفی از آنکه بر سر دارد و کشتن بی شک و دشمنان
بگوید و بدست که از دم و بر شتر و بدست که از دم و بر شتر و هر که از اسلام را بدست و شتر و شتر که خدا
و وَأَقْبَلُوا إِلَيْهَا عِلْمُهُمْ بِرَأْسِهَا مِنَ السَّمَاءِ وَأَلْزَقْنَاهُ لِبَنَاتِهِ لَمَنِ نَسَا
يَكُونَنَّ بَنِينَ اگر شترهای من و پسر و پسر که از دم و بر شتر و بدست که از دم و بر شتر و هر که از اسلام را بدست و شتر و شتر که خدا
بر زمین و بدست که از دم و بر شتر و بدست که از دم و بر شتر و هر که از اسلام را بدست و شتر و شتر که خدا
که از دم و بر شتر و بدست که از دم و بر شتر و بدست که از دم و بر شتر و هر که از اسلام را بدست و شتر و شتر که خدا
بر شتر و بدست که از دم و بر شتر و بدست که از دم و بر شتر و هر که از اسلام را بدست و شتر و شتر که خدا

۱۲۰

گمراهی و عذاب الهی آن صاحب نیست خدا صیقلی که بر او پس هر چه صفت داردی حاجت خود را در حق من حاجت
استعین گشت که هر روز دعا را دهانی از ما و بی غیران گرفتن نیز از خود بهر روز و کاری و بر این بی غیر می
و بهر باب اوصیای او را بولایت و امامت و جبر او می پاستم که آن این امت با حسین را عین جبر کرده
ان پیغمبر بعد از او خواهند داد و حسین را که او را بدینا بر گردانید تا بعد از ششام گشت از هر کور او رسم
گردد و کشید کرده پس حاجت من در درگاه او گشت ای پیرو کار من گمراهی بر گردانید بدینا تا در حق من
از خود بگویم پس خدا حاجت بر آورد و حضرت استعین امام حسین علیه السلام را در حاجت
به چنان برادر داشت و در روایت دیگر از دست داشت که حضرت امام حسین و مشتاق و پیغمبر از کشتن
نمودن که بیرون آمد گشت **حدیث دیگر** که پیغمبر صلی الله علیه و آله در کتاب و روایت کرده اند
از احباب من حدیث که حضرت امام حسین را از علی علیه السلام از خود حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه
از من در حدیثی از خود فرمود که بدین کسی که حق استیسی نه و نماز نیکو نه و زهد نه و عبادت نه و در کار نیکو نه
سزاوارست از او ای که نیکو پیش نیکو نیکو نه و آن نیکو در دست و از آن دو جنبه است حدیثی بی حدیث
و من و از دست ماضی و فرمود پس بیکدیگر دیگر خود و او که نزد کسی چنانچه دوران نورس کنی کرد و آن نور
تا آن روح در بهمن نامی ما این است چنانچه او پس تا این روح بر کربلای خدا و علی علیه السلام تا نجات الهی خدا
و حاجت خود را بر حق تمام کرده است پس ما بیشتر در روز سیزدهم یوم و در حق گفته اند که خدا بهر روز
ما و منب و خود و روح صاحب جلیقه در عالم شود و خدا و عباد و نیکو و گفته اند روح از او می کشند و از او
پیش از آن که خدا خلق را از این دین خدا و عبادت برانگیزد از آن روز که حسین را کشته اند

